

انتفاضه اربعین ۱۳۹۷ قمری

رعد الموسوی

ترجمه ج. سنابرق

چکیده

برخورد خشونت‌بار مأموران بعثی با زائران حسینی در عاشورا و اربعین سال ۱۳۹۶ قمری، زمینه‌ساز حرکتی از سوی مردم نجف در سال بعد شد که «انتفاضه اربعین» نامیده شد. در اربعین سال ۱۳۹۷ شیعیان نجف، نهضتی عظیم بر پا کردند و پس از تظاهرات گسترده، مسیر نجف تا کربلا را طی چهار روز، پیاده پیمودند که بیشتر حوادث این روزها، در بیابان‌های مسیر بین این دو شهر رخ داد و نظام بعثی از وحدت و تجمع و خروش و نهضت انقلابیون، به‌شدت در هراس افتاد؛ به‌طوری‌که با تمام نیروهای نظامی و امنیتی خود به مقابله با آن برخاست. نقش علما و وعاظ آگاه و شجاع در این حرکت انقلابی، بسیار برجسته بود.

نویسنده این مقاله پس از بیان علت و زمینه پیدایش این حرکت انقلابی، حوادث پیش‌آمده در طول این پیاده‌روی معنوی را از آغاز تا پایان، در شش محور بیان کرده است.

واژگان کلیدی: انتفاضه اربعین، نجف، کربلا، حرکت انقلابی، پیاده‌روی.



۳۱۳

شماره ۱۹ و ۲۰ تابستان و پاییز ۱۳۹۳

تاریخ معاصر عراق مظلوم، سراسر با جنایات حکام بعثی و دشمنی آنان با دین و حوزه‌ها و شعائر حسینی و احکام قرآن آمیخته شده است. آنان از هنگامی که بر ملت مسلمان عراق تسلط یافتند، در اجرای مأموریت‌های محوله به آنان، نسبت به زائران قبر حسین علیه السلام محدودیت‌ها، سخت‌گیری‌ها و مراقبت و کنترل شدیدی به کار بسته و با زوار و عزاداران، با غیرانسانی‌ترین شیوه‌ها رفتار کردند. دانشجویان، کارمندان و نظامیان را از رفتن به زیارت قبر سیدالشهدا علیه السلام منع کردند و از سوی دیگر، مأموران خود را بین مردم پخش کردند تا از آنان جاسوسی کنند. اما مردم به هر قیمتی که بود، در حفظ شعائر عاشورا، به ویژه مراسم زیارت پیاده امام حسین علیه السلام کوشیدند و سرانجام کار به جایی رسید که به دنبال بخشنامه رسمی رژیم بعث، مبنی بر ممنوعیت زیارت پیاده کربلا در سال ۱۳۹۷ قمری مردم با زمینه‌سازی برای مقابله با رژیم، حرکت عظیمی را پی‌ریزی کردند و نیروهای دولتی نیز با به کارگیری تانک‌ها، زره‌پوش‌ها و هواپیماها، راه‌پیمایی زائران پیاده حسین علیه السلام را در مسیر (نجف - کربلا) در هم کوبیدند و هزاران نفر را بازداشت کردند.^۱

این حرکت عظیم - که به آن خواهیم پرداخت - گرچه در سال ۱۳۹۷ هجری روی داد، لکن ریشه‌ها و سوابقی در سال‌های گذشته داشت که خوب است بحث را از اندکی پیش از این تاریخ آغاز کنیم.

چون شکل‌گیری این گونه جنبش‌ها، بیشتر از «نجف» آغاز می‌شد، برخورد سرکوب‌گرانه بعثی‌ها نیز بیشتر متوجه مرکز ثقل این حرکت و خاستگاه این نهضت بود. از شب نهم

محرم سال ۱۳۹۰ هجری قمری، رژیم عراق با اعمال فشار، محدودیت‌هایی را در اجرای برنامه‌های سنتی شیعه و شعائر دینی به وجود آورد؛ از جمله دسته‌های عزاداری ماه محرم را به شدت تحت کنترل قرار داد و به همین منظور، درهای اصلی صحن مطهر حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بست (درب مسلم بن عقیل و شیخ طوسی).

مردم در آن شب تظاهرات کردند؛ در حالی که عکس‌العمل اعتراض آمیز خود را بر ضد این مقررات نشان می‌دادند. سپس با چوب و کفش و... به مأموران حمله کردند و به طرف یکی از غرفه‌های صحن که محل مأمورین بود و قائم مقام استاندار نجف و یکی از مسئولین حزب بعث نجف هم در آن جا بودند، هجوم آوردند.

معجزه بی‌سابقه‌ای که آن شب به وقوع پیوست، گشوده شدن درب صحن مطهر بود (درب شیخ طوسی) و این کرامت مولا (علیه السلام)، شور و حماسه مردم را افزون‌تر کرد و شعارهایی برای این پیروزی تازه سر می‌دادند. پس از آن، به محل مخابرات پلیس حمله کرده، آن جا را ویران ساختند. نیروهای امدادی رژیم آمدند و به روی مردم آتش گشودند. اما مردم به قرارگاه پلیس هجوم بردند. درگیری‌های پراکنده تا نیمه‌شب ادامه داشت و در این تظاهرات، یک نفر کشته و عده‌ای هم مجروح شدند. به دنبال این حادثه، نیروهای رژیم، برای کنترل اوضاع که می‌رفت به انقلابی بزرگ تبدیل شود، دست به اقدامات پیش‌گیرانه زد.^۲

آن سال به بعد عشق حسینی، بیش از پیش در دل‌ها شعله می‌کشید و تلاش‌های عمال بعثی هم نمی‌توانست با زور و

چون شکل‌گیری این گونه جنبش‌ها، بیشتر از «نجف» آغاز می‌شد، برخورد سرکوب‌گرانه بعثی‌ها نیز بیشتر متوجه مرکز ثقل این حرکت و خاستگاه این نهضت بود. از شب نهم محرم سال ۱۳۹۰ هجری قمری، رژیم عراق با اعمال فشار، محدودیت‌هایی را در اجرای برنامه‌های سنتی شیعه و شعائر دینی به وجود آورد.

فشار و تهدید، آن را خاموش کند. تا این که شب عاشورای ۱۳۹۵ هجری، بار دیگر، نجف اشرف صحنه تظاهرات زائران شد. این بار مردم همراه خود، سلاح سرد حمل می کردند. در بازار و خیابان‌های نجف می گشتند تا این که وارد صحن امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شدند. یکی از خطیبان، در سخنان حماسی و پرشوری که ایراد کرد، رژیم بعث را رسوا ساخت.^۳

در ایام اربعین همان سال نیروهای فریبکار بعثی، که برای بهره‌برداری تبلیغی از مراسم زیارت دست به کار شده و تصاویری از حسن البکر (رئیس جمهور وقت) و صدام را به صحنه آورده بودند، با عکس‌العمل شدید مردم روبه‌رو شدند. جمعیت زواری که از نجف عازم زیارت کربلا بودند، آن تصاویر را پاره کردند و عزاداری به تظاهراتی بزرگ تبدیل گشت و شعارهایی بر ضد حزب بعث و حسن البکر و صدام داده شد و مردم پیوند خود را با اولیای دین، و دشمنی خویش را با رژیم حاکم اظهار می کردند.

نهضت پیاده‌روی اربعین

سال ۱۳۹۶ قمری هم با فوران شور حسینی مردم نجف در عاشورا و اربعین، برخورد خشونت‌بار مأموران بعثی با زائران حسین علیه السلام، بر کینه آنان نسبت به سلطه حکام جور افزود و برای سال بعد، با آمادگی بیشتر و تمهیدات گسترده‌تری قدم به میدان نهادند و عشق سوزان خویش را نسبت به سیدالشهدا علیه السلام نشان دادند.

شب عاشورای ۱۳۹۷ هجری یک گروه پیشمرگ امام حسین علیه السلام که با هم پیمان شهادت بسته بودند، خروج کردند. آن گروه انقلابی، پرچمی خون‌آلود را به نشانه فداکاری و سمبل قیام و شهادت برافراشته بودند. افراد گروه به سلاح سرد مجهز و مسلح بودند و کارشان به درگیری با مأموران بعثی انجامید. تعدادی از مأموران زخمی شدند و بقیه، هراسان و وحشت‌زده از مقابل این گروه فدایی گریختند. به دنبال این حرکت مسلحانه انقلابی، عده‌ای از آن قهرمانان دستگیر شدند و زیر شکنجه سخت جلادان قرار گرفتند.

مردم تصمیم داشتند که در روز وفات امام زین‌العابدین علیه السلام در ۲۵ محرم همان سال، تظاهراتی برپا کرده و از رژیم حاکم، آزادی زندانیان را بخواهند. ولی بنا به دلایلی، این حرکت به اربعین موکول شد تا در آن مراسم، اقدامی جدی‌تر به عمل آید و در همان مناسبت بود که مردم خواستار نابودی رژیم بعث شدند و فریاد برآوردند و با مشت، به پیکار سرنیزه‌های حکام بعثی برخاستند.

نجف، شهر امام علی علیه السلام شهر دلیر مردان شیعه امیرالمؤمنین، به پاخاست و در ایام اربعین ۱۳۹۷ قمری، نهضتی عظیم را پی ریخت. تظاهرات عظیم و گسترده‌ای که با شرکت اقشار وسیع مردم برپا شد، چهار روز طول کشید و زائران پیاده، مسیر طولانی نجف - کربلا را در مدت چهار روز طی کردند؛ چهار روزی که همراه با برخوردهای شدید و حماسه‌های ماندگار و شور علوی و حسینی بود؛ چهار روزی که عمق عشق به حسین بن علی علیه السلام و کینه از یزیدیان زمان و بعثیان حاکم بر عراق را نشان داد.

بیشتر حوادث این روزها، در بیابان‌های مسیر بین این دو شهر اتفاق افتاد و نظام بعثی از آن وحدت و تجمع و خروش و نهضت انقلابیون، به شدت به هراس افتاد. گرچه نفس آن پیاده‌روی و حرکت موكب‌های زیارتی در آن مسیر و با آن شرایط، نوعی اعتراض و مبارزه با سلطه حکومت قلمداد می‌شد، لکن شعارها و روحیات خروشان مردم بر ضد مأموران، حساسیت آن را افزایش داده بود و این بار، زیارت پیاده اربعین، حال و هوای دیگری داشت.

در این راه‌پیمایی، هر کس در حد توان خود سهمی داشت. در زمینه‌سازی این حرکت عظیم و انقلابی، نباید از نقش علما و وعاظ آگاه و شجاع غافل بود. آنان از مدت‌ها پیش، با استفاده از سنگر منبر و مجالس اباعبدالله الحسین علیه السلام مردم را به مبارزه با رژیم بعث، دعوت و تشویق می‌کردند و روحیه شهادت‌طلبی و فداکاری را زنده می‌ساختند. موجی غیرقابل کنترل، در درون مردم پدید آمد که از وجودشان لبریز شد و همه تدابیر حاکمان بعثی را نقش بر آب کرد. آشکارا و در

نجف، شهر امام علی علیه السلام شهر دلیر مردان شیعه امیرالمؤمنین، به پاخاست و در ایام اربعین ۱۳۹۷ قمری، نهضتی عظیم را پی ریخت. تظاهرات عظیم و گسترده‌ای که با شرکت اقشار وسیع مردم برپا شد، چهار روز طول کشید و زائران پیاده، مسیر طولانی نجف - کربلا را در مدت چهار روز طی کردند.

پیش چشم دوست و دشمن اعلام شد که لحظه آغاز حرکت، ساعت ۱۱ صبح روز ۱۵ ماه صفر خواهد بود. این اعلام عمومی تأثیر حماسی عمیقی در روحیه مردم داشت و نیروهای امنیتی رژیم بعث را بیشتر به وحشت انداخت.

کار گروهی از جوانان نیز تهیه پلاکاردهای فراوان و نصب آنها بر در و دیوار و معابر و مجامع عمومی بود که مردم را به شرکت در راه‌پیمایی اربعین دعوت می‌کرد. در یکی از این تابلوها نوشته شده بود: «اهالی محترم نجف! برای زیارت پیاده قبر ابا عبدالله الحسین علیه السلام آماده شوید». گروهی که مسئولیت نصب تابلوها و پلاکاردها را در نقاط مختلف شهر بر عهده داشتند، برای مخفی‌کاری و فریب مأمورین، لباس‌های نظامی پوشیدند تا کمتر مورد سوء ظن قرار گیرند. از این پلاکاردها، در بین دسته‌ها، حسینیه‌ها، هیأت‌های عزاداری، خانه‌ها و محله‌های نجف و کوفه پخش شد و به دیوار برخی از ادارات دولتی نصب گردید. در بعضی از این اعلامیه‌ها هم از بعثی‌ها درخواست شده بود که از «حزب بعث کافر» بیرون آمده و پایه‌پای مردم، در راه‌پیمایی اربعین شرکت کنند و به حسین علیه السلام و یارانش اقتدا نمایند. نجف، لحظات پیش از به راه افتادن سیل خروشان مردم را می‌گذراند و جاده «نجف - کربلا» در انتظار گام‌های استوار این کربلاییان میثاق بسته با نجف بود.

آغاز حرکت

مردم به راه افتادند. هنگام حرکت زائران اربعین، پرچم‌های سبزرنگی در میان کاروان دیده می‌شد که بر آنها آیه «نصر من الله و فتح قریب»^۴ نقش بسته بود. این شعار، معنا و مفهوم سیاسی داشت و رمز مبارزه توده مردم با رژیم حاکم بود. پرچم سبز بزرگ دیگری نیز برافراشته شده بود که بر روی آن، این جملات می‌درخشید: «بسم الله الرحمن الرحیم، یدالله فوق أیدیهیم، صدق الله العلی العظیم، نجف اشرف».

یک بار مأموران در منطقه «خان النص»^۴ حمله ناموفقی به پرچم بزرگ ترتیب دادند. مردم هم با دیدن حمله مأموران، بیشتر پیرامون علم بزرگ را گرفتند. پرچم سفید دیگری در مراسم به چشم می‌خورد که چشم‌ها و دل‌ها را به سوی خود جلب می‌کرد. با رنگ سرخ، بر آن نوشته شده بود: «شعارنا حب الحسین نفدیک بدمائنا یا أبا الشهداء»؛ یعنی شعار ما عشق حسین علیه السلام است؛ خون رنگ‌های ما فدای تو باد ای پدر شهیدان.

سرانجام لحظه فراموش نشدنی و تاریخی فرا رسید. ۱۵ صفر سال ۱۳۹۷ قمری ساعت ۱۱ صبح (مطابق با سال ۱۳۵۶ شمسی) سیل پرخروش مردم به راه افتاد. گروه‌های فراوانی از طبقات گوناگون، همه میدان‌ها و خیابان‌ها را پر کردند و به راه‌پیمایان پیوستند. نیروهای امنیتی که شهر را در کنترل داشتند، تصمیم به مقابله گرفتند. درگیری‌هایی در چند نقطه شهر بین مردم و کماندوهای دولتی پدید آمد. تظاهرکنندگان، پرچم‌های سبزرنگ کوچکی را که با جمله «نصر من الله وفتح قریب» مزین بود، برافروشتند. پیشاپیش پرچم‌ها و پرچمداران نیز پرچم بزرگ سبزرنگی با شعار «یدالله فوق أیدیهم» به چشم می‌خورد. موج گسترده مردم در شهر گشت و هنگام عبور از مقابل استانداری، عده‌ای به ساختمان استانداری هجوم بردند، در حالی که شعار می‌دادند: «ابد والله ما ننسى حسیناً»؛ یعنی به خدا قسم هرگز حسین (علیه السلام) را فراموش نخواهیم کرد. این شعار هشداری به مزدوران بعثی بود که با ترندهای گوناگون می‌خواستند مردم را از «کربلای حسین» بازدارند و شور حسینی را از دل‌های مردم بیرون کنند.

پیش به سوی حرم حسینی

جمعیت زوار با شور بیشتری راه کربلا را در پیش گرفت و در راه چنین می‌خواندند: «ای حسین! حتی اگر دست‌ها و پا‌های ما را قطع کنند، باز هم به سوی تو، شتابان و متشکل خواهیم آمد».^۵

بیرون از شهر، تعدادی دیگر به آنان پیوستند و امواج خروشان مردم، با شعارهای اسلامی - حماسی به «خان الربع» که ده کیلومتر با نجف فاصله داشت، رسیدند. زنان متعهد در

یک بار مأموران در منطقه «خان النص» حمله ناموفقی به پرچم بزرگ ترتیب دادند. مردم هم با دیدن حمله مأموران، بیشتر پیرامون علم بزرگ را گرفتند. پرچم سفید دیگری در مراسم به چشم می‌خورد که چشم‌ها و دل‌ها را به سوی خود جلب می‌کرد. با رنگ سرخ، بر آن نوشته شده بود: «شعارنا حب الحسین نفدیک بدمائنا یا أبا الشهداء».

این حرکت، نقش مهمی داشتند. جمعیت بزرگی از زنان، در مدخل شهر نجف، با سخنان و شعارهای حماسی و انقلابی از تظاهرکنندگان استقبال می کردند. شب هنگام تصمیم بر آن گرفتند که آن شب را در آن محل بمانند تا فردا همزمان با طلوع خورشید، راه کربلا را پیش گیرند. از نخستین ساعاتی که به «خان الربع» رسیدند، زائران در یک برنامه کاملاً مردمی، تدابیری برای حفظ امنیت مردم از هجوم نیروهای بعثی به کار گرفتند. عده‌ای نیز مقدار زیادی سنگ جمع کردند که اگر با هجوم نیروهای محاصره کننده بعثی روبه‌رو شدند، بتوانند به مقابله برخیزند. از طرف گردانندگان راهپیمایی، برنامه‌ریزی دقیقی برای مقابله با هر حادثه‌ای شده بود. آنان راه‌های ورودی به منطقه را در کنترل خود داشتند و مزدوران بعثی، از هر جا که می‌خواستند به درون جمعیت نفوذ کنند و عناصر فعال را شناسایی و دستگیر کنند، با سنگباران مجاهدانی که در کمین بودند، روبه‌رو می‌شدند و ناچار عقب‌نشینی می‌کردند. در فجر صادق، نماز صبح را بر پا داشتند و آماده ادامه راه‌پیمایی به سوی کربلا بودند. در این هنگام مردم باخبر شدند که تعدادی از خودروهایی که برای زائران مواد غذایی می‌آورده، از سوی مأموران توقیف شده و از رسیدن آنها به کاروانیان کربلا جلوگیری کرده‌اند. مردم خشمگین، ماشین‌ها را از محاصره مأموران آزاد ساخته و راهی به سوی کاروانسرا گشودند. در این برخورد که میان تظاهرکنندگان و مأموران پیش آمد، مأمورین از وخیم‌تر شدن اوضاع ترسیده و گریختند.

بدین ترتیب بار دیگر حرکت راه‌پیمایان ادامه یافت. راه اصلی «نجف - کربلا» در اختیار مردم بود و تظاهرکنندگان اتومبیل‌های پلیس را کنترل و تعقیب و گاهی توقیف می‌کردند. مقامات امنیتی، برای اعزام افرادشان به منطقه، از اتوبوس‌های مسافربری و وسایل نقلیه عمومی استفاده می‌کردند تا شناخته نشوند؛ ولی مردم متوجه این توطئه شدند و ماشین‌های عمومی را هم تفتیش و بازرسی می‌کردند و اگر مأموران بعثی را شناسایی می‌کردند، آنان را تنبیه می‌کردند. راه‌پیمایان زائر حرم امام حسین علیه السلام، در هر اتوبوسی که عکس‌های صدام و حسن البکر را می‌دیدند، تصاویر را پاره می‌کردند و با خشم و نفرت، شعارهایی بر ضد حکومت و علیه نیروهای پلیس تکرار می‌کردند و با بیان جنایت‌های حکومت و افشای ستمگری‌های بعثی‌ها برای مسافران، روشنگری نموده و اهداف خود را تبلیغ می‌کردند و شعار می‌دادند:



«تاریخ نجف، نهضت حسینی را ثبت خواهد کرد؛ پلیس نجف، ترسوست؛ هیچ توطئه‌ای بر حسین علیه السلام موفق نمی‌شود؛ ای صدام! دستت شکسته باد، نه ارتش و نه مردم، هیچ کس تو را نمی‌خواهد؛ ای اباالفضل! به نفع ما برخیز، که «عفلق» بر ضد ما توطئه کرده است...».

صبح روز ۱۷ صفر، یکی از مأموران بعثی با لباس شخصی، تلاش کرد تا وارد کاروانسرا شود. نگهبانان انقلابی و هشیار، او را شناسایی و بازداشت کرده، تفتیش نمودند. همراه او لیستی یافتند که در آن، نام بسیاری از شرکت کنندگان در راه‌پیمایی، و نیز شماره اتومبیل‌های امدادگر نوشته شده بود. او را به «حسینی» منتقل کردند و دیگر بار حرکشان را آغاز کرده، به سوی کربلا به راه افتادند.

وقتی گزارش به مأموران دیگر رسید، برای مقابله با شور حسینی زائران، مأموران دیگری را به محل فرستادند؛ اما وقتی رسیدند که «کاروان کربلا» حرکت کرده بود. به ناچار عده‌ای از افراد باقی‌مانده در کاروانسرا را بازداشت کردند. وقتی خبر دستگیری آنان به راه‌پیمایان رسید، با این که چند کیلومتر از آن‌جا دور شده بودند، با این حال، عده‌ای از راه‌پیمایان

بازگشتند و با مأموران به زد و خورد پرداختند. صدای «یا حسین» زائران، با صغیر گلوله مزدوران بعثی درهم آمیخت و در این برخورد، یک زن و یک نوجوان به شهادت رسیدند و عده‌ای نیز مجروح شدند. سرانجام مردم توانستند برادران بازداشت شده خود را از اسارت بعثیان نجات دهند و با حمله به اداره بعثی‌ها در آن محل، اشیای موجود در آن را از بین بردند دوباره راه کربلا را در پیش گرفتند.

شهادت طلبان

حرکت پرشور زائران، فضایی از حماسه و ایشار و معنویت پدید آورده بود و روحیه شهادت طلبانه آنان را بیشتر کرده بود. حتی جمعی از قبایل مسلمان میان راه، به دنبال شنیدن خبر خشونت‌های رژیم بعث با زائران، به راه پیمایان پیاده کربلا پیوستند و آمادگی خود را برای حمایت از آنان ابراز کردند؛ گرچه این موضع‌گیری و عمل انقلابی، به دستگیری عده‌ای از جوانانشان انجامید.

نقش زن مسلمان و انقلابی عراقی در این تظاهرات، قابل توجه است. زنان در یک دست، مشعل دعوت و هدایت داشتند و در دست دیگر، پرچم جهاد بر ضد حکومت بعثی. سلاح و لوازم ضروری دیگر را پنهان می‌کردند و مخفیانه به دست مجاهدان می‌رساندند و مردان را تشجیع و تحریک به مبارزه می‌کردند. در جریان این راه‌پیمایی عظیم نیز، نقش آنان در صحنه چشم‌گیر بود. گاهی حتی رو در روی مأموران رژیم بعثی می‌ایستادند و شعار می‌دادند و گاه با پرتاب سنگ، مجاهدان را یاری می‌کردند. در میان دستگیر شدگان این ماجرا و تظاهرات نیز، زنانی نیز بودند و این نشان دهنده فعالیت سیاسی آنان در این پیاده‌روی انقلابی به سوی کربلای حسین (علیه السلام) بود.

با رسیدن اخبار حوادث روز ۱۷ صفر به شهرهای دیگر، مردم از هر سو برای شرکت در تظاهرات، در راه‌هایی که به کربلا منتهی می‌شد، تجمع کردند. به‌ویژه راه «طویریج - کربلا» شاهد ازدحام شدیدی بود. رژیم بعثی اعلام کرد که حرکت پیاده به سوی کربلا آزاد است و با این کار می‌خواست خشم توده‌های انقلابی مردم را فرونشاند. ولی مردم هشیارتر شدند و برای مقابله با هر توطئه‌ای آماده‌تر شدند. آن شب، کلمه رمز «اربعین» را به عنوان اسم شب میان خود برگزیدند و شعارهای انقلابی بیشتر شد. تابلوی سیاه بزرگی

را برافراشتند که با رنگ سفید بر آن نوشته بود: «این جا قبر شهیدان است». از سوی دیگر، مزدوران رژیم بعثی با استفاده از تاریکی شب، در گوشه و کنار اقدام به ربودن و دستگیری برخی افراد می کردند و از اتوبوس‌ها و اتومبیل‌های عادی برای کنترل اوضاع و دستگیری عناصر فعال در راه پیمایی استفاده می کردند.

روبارویی «تن» و «تانک»

وقتی خورشید روز هجدهم صفر طلوع کرد، زائران به سوی کعبه شوق و منای عشق «کربلا» به راه افتادند. رژیم بعثی عراق، برای ارباب زائران پیاده قبر سیدالشهدا (علیه السلام) و مقابله با این سیل خروشان معنویت، سلاح‌ها و تجهیزات نظامی خود را به کار گرفت. دو فروند هواپیمای میگ، در ارتفاع بسیار پایین از بالای سر زائران عبور کرد. سرعت پرواز چنان زیاد بود که دیوار صوتی را شکست و ارتعاش شدید حاصل از صدای غرش میگ‌ها، سبب شکستن شیشه اتومبیل‌ها شد. سپس تعداد زیادی تانک و نفربرهای زرهی و ادوات دیگر را همراه با مأموران بسیاری با تجهیزات کامل به منطقه فرستادند. مأموران چشم و گوش بسته، ابتدا به محاصره راه پیمایان پرداختند. عده‌ای از مأموران نظامی که به عنوان مقابله با اخلا لگران شورشی فرستاده شده بودند، همین که خود را در مقابل راه پیمایی عزاداران حسینی دیدند که علائم سوگواری و پرچم و علم در دسته‌هاشان حمل می کردند، از فرمان مافوق سرپیچی کرده و به مردم پیوستند؛ چرا که وجدان بیدار آنان، به زشتی ایستادن در مقابل جمعیت زائران کربلا شهادت می داد.

نصرت خداوند در آن روز آشکار شد و امداد الهی به باری زائران آمد. دو فروند از هواپیماها آتش گرفت که یکی در دریاچه «رزازه» در نزدیکی کربلا و دیگری در نزدیکی فرمانداری مسیب سقوط کرد و خلبانان آنها هلاک شدند. جالب این‌جاست که کارشناسان فنی پس از بررسی علت سقوط هواپیما، هیچ عامل مشخصی نیافتند و ناچار اعلام کردند که سقوط، به علت نقص فنی بوده است.

نصرت خداوند در آن روز آشکار شد و امداد الهی به یاری زائران آمد. دو فروند از هواپیماها آتش گرفت که یکی در دریاچه «رزازه» در نزدیکی کربلا و دیگری در نزدیکی فرمانداری مسیب سقوط کرد و خلبانان آنها هلاک شدند. جالب این جاست که کارشناسان فنی پس از بررسی علت سقوط هواپیما، هیچ عامل مشخصی نیافتند و ناچار اعلام کردند که سقوط، به علت نقص فنی بوده است. از آن پس زائران به طعنه و کنایه می گفتند: سقوط به سبب اختلال فنی نبوده، بلکه ناشی از «اختلال حسینی» بوده است.

پیوستن برخی از نظامیان به دسته‌های زوار عزادار، یکی دیگر از مظاهر لطف الهی و امدادهای معنوی او بود که روحیه انقلابیون را بالا می برد و ضربه روحی سنگینی به نیروهای دولتی وارد می ساخت. تانک‌ها برای ایجاد رعب و وحشت، به میان آمده بودند. در حالی که تانک‌ها حرکت می کردند، بعضی از تظاهرکنندگان، روی تانک‌ها رفته و به نفع اسلام و امام حسین علیه السلام و برضد حکومت بعث کافر شعار می دادند. یکی تظاهرکنندگان خود را جلوی تانکی انداخت تا از پیش روی آن جلوگیری کند، اما خدمه تانک بیرون آمد و او را از جلوی تانک کنار کشید و گفت: ما هم مثل شما مظلوم هستیم!

رسیدن به کربلا

سرانجام موجی که از نجف برخاست، به کربلا رسید و مقاومت، رشادت، حماسه و هشیاری زائران اربعین به ثمر رسید و زائران امام حسین علیه السلام علی رغم همه فشارها، تهدیدها، ممانعت‌ها و سرکوب‌ها به «کربلا» رسیدند. دیدار مرقد امام حسین علیه السلام مرهمی بر زخم دل‌ها و تسکینی بر گام‌های خسته و پای پر آبله و پیکر کتک خورده آنان بود و رنج سفر، با زیارت کربلا آسایش یافت.

آنان ابتدا به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام رفتند تا مراتب وفاداری خویش را به آن آموزگار وفا و رادمردی ابراز کنند و سپس به حرم سیدالشهدا مشرف شدند؛ در حالی که لباس خونین یک شهید را نیز، همراه پلاکاردهایی که بر آنها، جمله «نجف، چهار شهید تقدیم کرد» به چشم می خورد، حمل می کردند.

در مدخل صحن حرم ابوالفضل و امام حسین علیهما السلام نیز با مأموران برخورد و درگیری صورت گرفت. وقتی زائران وارد حرم حسینی شدند، مأموران همه درها را بستند و فقط یک در باز بود که مأموران برای بستن آن هم تلاش می کردند تا زائران را در محاصره قرار داده و افراد مورد نظر را دستگیر کنند. زائرین علی رغم شدت عمل مأموران، از همان درب باز مانده بیرون آمدند و زد و خورد به مناطق اطراف حرم کشیده شد و زائران در حالی که صدای «یا حسین، یا حسین» شان در خیابان‌ها و میدان‌ها طنین افکن بود، از سیدالشهدا یاری می طلبیدند تا از ظلم یزیدیان مهاجم خلاص شوند.

در این وقایع هزاران نفر دستگیر شدند و عناصر اصلی و محرکین عمده این تظاهرات حماسی را مورد شکنجه قرار دادند. هفت نفر از این چهره‌های مبارز، زیر شکنجه به شهادت رسیدند که اغلب این شهدا از کسانی بودند که همواره در مراسم عزاداری سیدالشهدا علیه السلام و برپایی مجالس مذهبی و سوگواری برای خاندان عصمت و طهارت، فعالانه شرکت و حضور و نقش داشتند. ۱۶ نفر دیگر نیز به حبس ابد محکوم شدند.

هر حرکتی دیر یا زود، تأثیر خود را بر افکار و اراده‌ها و آگاهی مردم بر جای می گذارد. وقتی اخبار این وقایع به درون زندان‌های عراق رسید، زندانیان نیز همصدا با انقلابیون به سر دادن شعار و موضع گیری بر ضد دولت پرداختند و حتی در مواردی، زندانیان با هر چه که در اختیار داشتند، به مأموران حمله کردند.

در مدخل صحن حرم ابوالفضل و امام حسین علیهما السلام نیز با مأموران برخورد و درگیری صورت گرفت. وقتی زائران وارد حرم حسینی شدند، مأموران همه درها را بستند و فقط یک در باز بود که مأموران برای بستن آن هم تلاش می کردند تا زائران را در محاصره قرار داده و افراد مورد نظر را دستگیر کنند.

گرچه مراسم زیارت پیاده کربلا و حرکت پرشور و پرشکوه زائران در آن سال از طرف حکومت بعث عراق، به شدت سرکوب شد، ولی تأثیر خود را در بیداری مردم و بسیج تشکل آنان برضد رژیم و افشای ماهیت خبیث حاکمان بغداد نشان داد و نقطه عطفی در مبارزات مردم مسلمان عراق گردید.^۶

در سال‌های اخیر، از جمله در سال ۱۳۷۰ نیز حکومت بعث عراق برای درهم کوبیدن حرکت انقلابی شیعیان با انواع سلاح‌ها مردم را در نجف و کربلا به خاک و خون کشید و با توپخانه، گنبد و بارگاه حسینی را هدف قرار داد. این جنایت‌های بی‌نظیر، سبب شد که رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اعلام عزای عمومی کنند و در اطلاعیه‌ای، حمله وحشیانه به عتبات را محکوم کردند و آن را بازآفرینی مصائب و اندوه‌های عاشورا خواندند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. رعد الموسوی، انتفاضة صفر، ص ۲۵.
۲. همان، ص ۵-۵۳.
۳. همان، ص ۵۴.
۴. «خان» به معنای کاروانسراست. در حد فاصل نجف تا کربلا، چند کاروانسرا برای استراحت و اطراق مسافران بود که به نام‌های خان الربع، خان النصف و خان النخيله معروف است. خان النص، کاروانسرای نیمه راه است.
۵. لوقطعوا ارجلنا والیدین نأتیک زخفاً سیدی یا حسین.
۶. عمده وقایع مربوط به حادثه اربعین، از کتاب «انتفاضة صفر»، رعد الموسوی نقل شده است.